

مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران

ثریا سیار*، غنچه راهب**، مصطفی اقلیما***

مقدمه: ازدواج و گزینش همسر از مهم‌ترین شاخص‌های تحرک اجتماعی در هر جامعه است. امروزه با توجه به تغییر شیوه‌های همسرگزینی و الگوهای نوین ازدواج از شکل سنتی به مدرن، کارکرد خانواده نیز از این امر تأثیر می‌پذیرد و به نظر می‌رسد کارکرد خانواده در این ازدواج‌ها نیز متفاوت است. این پژوهش به شناخت تفاوت کارکردهای خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن از دید زنان متأهل می‌پردازد که هر یک از این دو نوع ازدواج را داشته‌اند.

روش: این مطالعه از نوع علی‌مقایسه‌ای است. جامعه آماری در این پژوهش زنان متأهل شهر تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، ۳۸۴ نفر از زنان متأهل شرق و غرب تهران با مراجعه به پارک‌های موجود در این مناطق به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند. پرسش‌نامه سنجش کارکرد خانواده براساس مدل مک‌مستر در اختیار آن‌ها قرار داده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون تی و خي دو استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین زنان با ازدواج سنتی و زنان با ازدواج مدرن به لحاظ توانایی حل مسئله تفاوت معناداری وجود ندارد. بین زنان با ازدواج سنتی و زنان با ازدواج مدرن به لحاظ توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث: بین زنان با ازدواج سنتی و زنان با ازدواج مدرن به لحاظ توانایی برقراری ارتباط، ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معناداری وجود دارد. زنانی که ازدواج مدرن کرده‌اند، در این ابعاد از کارکرد خانواده امتیاز بیشتری گرفته‌اند. بنابراین ازدواج مدرن و آشنایی زوجین پیش از ازدواج، در تقویت کارکرد خانواده و ثبات و استحکام بنیان خانواده می‌تواند مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج سنتی، ازدواج مدرن، کارکرد خانواده

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۸ **تاریخ پذیرش:** ۹۱/۷/۹

* کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. <s.sayar65@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** دکتر روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

*** دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مقدمه

نیاز به ایجاد روابط انسانی یکی از نیازهای عاطفی انسان است. ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به تمامی نیازها، اعم از مادی و معنوی است و یکی از مراحل تکامل انسان محسوب می‌شود. ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. رابطه دیرینه‌ای که در آن زن و مرد زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و پیمان می‌بندند که مصاحب و یار و غم‌خوار یکدیگر باشند، همدیگر را خوشبخت کنند، به یکدیگر عشق ورزند و با ازدواج به تنهایی خویش پایان دهند.

«ازدواج فرایندی از تعامل بین زن و مرد است که تحت شرایط و مراسم قانونی شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی می‌باشد» (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۰).

در جامعه امروز ایران گروه‌های گوناگونی زندگی می‌کنند که در آن‌ها درجات مختلفی از شرایط پیشامدرن و حتی پسامدرن یافت می‌شود. در این گروه‌های مختلف اجتماعی، شکل خانواده و همسرگزینی متناسب با موقعیت گروه و شکل خانواده متفاوت است.

در خانواده‌های گسترده جامعه پیشامدرن، ازدواج بین دختر و پسر را معمولاً بزرگ‌ترهای فامیل ترتیب می‌دادند. بنابراین، در گروه‌های اجتماعی که اوضاع مدرن را حتی به‌طور دست‌نخورده حفظ کرده‌اند، هنوز هم انتخاب زن برای پسر یا انتخاب شوهر برای دختر با تصمیم بزرگ‌ترها و در صورت لزوم، با تأیید ضمنی دختر و پسر صورت می‌گیرد.

در خانواده‌های طبقه متوسط جدید یا خانواده‌هایی که سعی کرده‌اند الگوهای رفتاری این طبقه را اتخاذ کنند، وضع همسرگزینی متفاوت است. در این خانواده‌ها با توجه به ملاحظات ذکر شده، سلطه جامعه و خانواده بر فرد، کمتر و دایره اختیار او وسیع‌تر است. بنابراین در این خانواده‌ها دختر یا پسر ممکن است پیش از گرفتن تأیید خانواده، همدیگر را پیدا کنند یا والدین مقدمات آشنایی آن‌ها را فراهم کنند؛ ولی در هر حالت، انتخاب نهایی به عهده دختر یا پسر است.

در برخی گروه‌های اجتماعی که شرایط آن‌ها مشابه شرایط پسمادرن است، دختر و پسر همدیگر را انتخاب می‌کنند و پیش از آنکه به‌طور رسمی به عقد یکدیگر در آیند، با هم معاشرت و حتی رابطه جنسی برقرار می‌کنند. در نهایت این آشنایی و رابطه ممکن است به ازدواج منجر شود یا نشود و در صورتی که تصمیم به ازدواج بگیرند، تصمیم خود را صرف‌نظر از تأییدکردن یا نکردن خانواده یا حتی بدون اطلاع دادن به خانواده، به اجرا درمی‌آورند (سرایبی، ۱۳۸۵).

در ایالات متحده، جامعه‌شناسان معتقدند که زیاد شدن طلاق پدیده فرعی و عرضی نیست که در آینده کاهش یابد؛ بلکه نتیجه مفهوم جدید ازدواج است. (ساروخانی، ۱۳۷۶) تومتون و لین^۱ (۱۹۹۴) که تحول الگوهای خانواده و ازدواج را با جریان صنعتی شدن و مدرنیزاسیون بررسی کرده‌اند، تحولات حاصل از این جریان‌ها را عامل اصلی در جهت کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در همسرگزینی در نظر گرفته‌اند، فرایندی که در نهایت به کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته از جمله خویشاوندی منتهی خواهد شد. تحول در موقعیت زنان به لحاظ تحصیلات، از جمله عواملی است که آنان را به پذیرفتن الگوهای سنتی هدایت می‌کند. بعد از انقلاب اسلامی و اتخاذ تدابیر برابری فرصت‌ها، زنان به تحصیلات ابتدایی و متوسطه اکتفا نکردند. به این ترتیب، زن دیگر محصور در خانه نیست که منتظر یک ازدواج سنتی باشد، در سن کم تن به ازدواج دهد و سلطه مردان را بر خود بپذیرد (ایران محبوب و مختاری، ۱۳۸۵).

در ازدواج سنتی هر یک از طرفین، زن و مرد، جایگاه خود را به‌خوبی می‌شناسد و نقشش به روشنی تعریف شده است. شوهر منبع قدرت و حمایت مالی است و زن مسئول نگهداری از خانه و خانه‌داری و پرورش فرزندان است. امروزه این وضعیت تغییرات چشمگیری یافته است. مسئولیت‌ها بین زن و مرد تقسیم شده است و نتیجه این تغییرات کاملاً آشکار است. هنگامی که یکی از طرفین احساس کند نیازها و اهدافش در زندگی

1- Thomton and Lin

زنشویی تأمین نشده است، حداقل در ذهن ممکن است این سؤال را طرح کند که چرا باید خود را اسیر رابطه‌ای کنم که بیشتر دهنده هستم تا گیرنده.

همان‌طور که اشاره شد، ازدواج مرحله مهمی از زندگی است. مرحله‌ای که در میان سایر مراحل زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آغاز زندگی مشترک، تشکیل خانواده جدید و پدر و مادر شدن اتفاقاتی است که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روحی و روانی تأثیرات عمیقی در زندگی فرد دارد. یکی از پدیده‌های نگران‌کننده خانواده در ایران، طی سال‌های اخیر، کاهش آمار ازدواج در کشور است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین ازدواج در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ در شهر تهران ۸۸/۴۹ (در ۱۰ هزار نفر) بوده که کمترین میزان ازدواج در کشور است. تهران با ۱۷/۱ درصد بیشترین میانگین شش‌ساله میزان عمومی طلاق را داشته است. در مجموع، نسبت طلاق با ازدواج در کشور، طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ با افزایش روبه‌رو بوده است و از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده و افزایشی معادل ۱/۶ درصد داشته است. در سال ۱۳۸۶، استان تهران با ۲۱/۹ درصد بیشترین نسبت طلاق به ازدواج را داشته است. طبق این آمار، از هر پنج ازدواج یکی به طلاق منجر شده است. بنابراین استان تهران در میزان عمومی ازدواج در رده اول کمترین‌ها و در میزان عمومی طلاق و نسبت طلاق به ازدواج در رده اول بیشترین‌ها قرار دارد (احمدی موحد، ۱۳۸۶).

امروزه با توجه به تغییرات و پیشرفت جوامع و صنعتی شدن شهرها، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر نهاد خانواده نیز تغییر کرده است؛ از جمله این تغییرات شکل و نوع ازدواج‌ها است. ازدواج‌ها از نوع سنتی به مدرن تغییر یافته است. ازدواج‌های مدرن، ازدواج‌هایی است که در آن دختر و پسر نقش اصلی را در تصمیم‌گیری دارند و پیش از ازدواج مدتی را به دوستی و مصاحبت با یکدیگر می‌گذرانند و علت ازدواج آن‌ها اغلب عشق و علاقه‌ای است که در دوران دوستی ایجاد شده است. ولی در ازدواج‌های سنتی حیطه اختیار افراد در انتخاب همسر محدود است و تشکیل زندگی براساس نیاز

طبیعی و نه عشق و علاقه پیش از ازدواج صورت می‌گیرد. بنابراین نوع ازدواج‌ها و کارکردهای خانواده متفاوت است.

درباره کارکرد خانواده مدل‌های مختلفی ارائه شده است. یکی از مدل‌های کارکرد خانواده سالم مدل ساختی است. مینوچین خانواده‌ای را که کارکرد سالم دارد، چنین تعریف می‌کند: «خانواده‌ای که در آن بین اعضا مکملیت وجود دارد. از ویژگی‌های این خانواده برون‌سازی متقابل اعضا با نیازهای یکدیگر، مرزهای روشن و منعطف، قدرت حل تعارض و ایجاد تغییرات متناسب با چرخه حیات خانواده است» (مینوچین، ۱۳۷۵).

در مدل‌های استراتژیک، فرض می‌شود که خانواده‌های بهنجار منعطف‌تر از خانواده‌های بالینی هستند؛ یعنی راهبردهایی که برای حل مسائل در نظر می‌گیرند، تنوع بیشتری دارد. هی‌لی خانواده کزکارکرد را چنین تعریف می‌کند: «خانواده‌ای که قادر به تأمین نیازهای تکاملی اعضا و مقابله با فشارهایی مثل تغییرات ناشی از مراحل تکاملی خانواده که مستلزم قبول یا ازدست دادن عضو باشد، نیست. مرزهای بین اعضا نامشخص است و لذا حمایت و همکاری رخ نمی‌دهد. غالباً عامل تعادل خانواده شخصی است که نشانه مرضی بروز می‌دهد» (هی‌لی، ۱۳۷۷).

مدل مک‌مستر از کارکرد خانواده نوعی مدل رفتاری است. او برای کارکرد خانواده، شش بُعد در نظر می‌گیرد:

۱- حل مسأله: توانایی خانواده برای حل مشکلات است، به طوری که خانواده بتواند کارایی مؤثری داشته باشد. دو نوع مسأله در این بعد مشخص می‌شود: یکی ابزاری که با مسائل عملی و روزمره زندگی مانند تهیه خوراک، مسکن، پوشاک و تأمین بودجه خانواده در حد کفایت مربوط است و دیگری مسائل عاطفی که با احساسات، مثلاً خشونت بین اعضای خانواده یا اعتمادداشتن آنان به یکدیگر مربوط می‌شود.

۲- ارتباط: به توانایی خانواده برای تبادل اطلاعات مربوط می‌شود. ارتباط ممکن است از نوع صریح یا غیرصریح و مستقیم یا غیرمستقیم باشد که کاراترین شکل ارتباط، نوع

- صریح و مستقیم آن است و ناکارترین شکل آن ارتباط غیرصریح و غیرمستقیم است (بارکر، ۱۳۸۲).
- ۳- نقش‌ها: نقش‌ها در قالب «رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود، در مجموعه‌ای از فعالیت‌های دوجانبه با سایر اعضای خانواده تعریف شده است» (بارکر، ۱۳۸۲). نقش‌ها به دو طبقه ابزاری و عاطفی تقسیم می‌شوند.
- ۴- پاسخ‌دهی عاطفی: به توانایی اعضای خانواده برای پاسخ دادن هیجانی مناسب، به احساسات مثبت و منفی اشاره دارد. کارایی عاطفی در این بُعد، عبارت است از اینکه خانواده بتواند متناسب با موقعیت، هر نوع احساسی را که لازم است، ابراز کند (سیلک، ۲۰۰۷).
- ۵- آمیختگی عاطفی: درجه و کیفیت علاقه اعضای خانواده به یکدیگر و نگرانی‌شان برای هم است (استینهاور و همکاران، ۱۹۸۴).
- ۶- کنترل رفتار: به قواعدی گفته می‌شود که خانواده براساس آن آموزش می‌بیند و به توصیف استانداردها و آزادی‌های رفتاری کمک می‌کند.
- با توجه به آنچه درباره کارکرد خانواده گفته شد، به نظر می‌رسد تغییر شکل ازدواج از سنتی به مدرن در نحوه کارکرد خانواده مؤثر است؛ از این رو برای انجام دادن چنین پژوهشی ضروری است تا کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن مقایسه شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به جوانان و کسانی که درصدد ازدواج هستند، کمک کند که چه نوع ازدواجی را برگزینند تا خانواده‌ای متعادل با کارکرد مطلوب داشته باشند. چراکه با توجه به آمارهای ذکر شده، در سال‌های اخیر، سستی و گسیختگی خانواده رو به افزایش بوده است و به نظر می‌رسد، ازدواج‌های نامناسب و تضعیف کارکرد خانواده و نارضایتی زوجین علت آن است. بنابراین پیشگیری بهتر از درمان است؛ زیرا گسیختگی خانواده و طلاق بسیاری از آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، بزه، اعتیاد و انحرافات اخلاقی را به وجود می‌آورد.

روش

پژوهش از نوع علی‌مقایسه‌ای است و در نظر دارد کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن را از دید زنان متأهل که هر یک از این ازدواج‌ها را داشته‌اند، مقایسه کند. جامعه آماری مدنظر در این پژوهش عبارت است از زنان متأهل شهر تهران. نمونه آماری، زنان متأهل غرب و شرق تهران شامل ۳۸۴ نفر است که به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. متغیرهای تعدیل‌کننده در این پژوهش عبارت است از:

- مدت تأهل نمونه آماری بین ۵ تا ۱۰ سال است؛
- پاسخ‌گویان سابقه زندگی مشترک قبلی نداشته باشند و خانواده فعلی آنان حاصل ازدواج اول است؛
- پاسخ‌گویان فرزند داشته باشند؛

ابزار پژوهش: در پژوهش حاضر برای بررسی فرضیه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، از تکنیک پرسش‌گری و ابزار پرسش‌نامه استفاده می‌شود. برای سنجش کارکرد، از ابزار سنجش خانواده (FAD) و پرسش‌نامه‌ای دیگر شامل اطلاعات دموگرافیک و تشخیص نوع ازدواج استفاده شده است. ابزار سنجش در خانواده براساس مدل مک‌مستر از کارکرد خانواده است که اپشتاین و همکاران آن را تهیه کرده‌اند و در سال ۱۹۸۳، بر روی یک نمونه ۵۳ نفری اجرا شد که دامنه ضریب آلفای فرد مقیاس‌هایی بین ۷۲ تا ۹۷ درصد به دست آمد (سالاری، ۱۳۸۰). در مطالعه‌ای مقدماتی نسخه ۶۰ سؤالی FDA درباره ۱۰۹ دانش‌آموز راهنمایی و دبیرستان اجرا شد. اعتبار بازمایی آن در این مطالعه، با فاصله یک هفته تا ۱۰ روز محاسبه شد که بین ۴۲ تا ۷۸ درصد بود. همچنین همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین ۵۸ تا ۸۵ درصد به دست آمد و همبستگی مقیاس‌ها با یکدیگر بین ۴۲ تا ۷۱ درصد گزارش شد.

همچنین برای تعیین اعتبار پرسش نامه دوم، از شیوه اعتبار محتوا از نوع اعتبار صوری استفاده شده است. برای سنجش میزان روایی، پژوهشگر پرسش نامه را در اختیار اساتید محترم قرار داده و پس از اعلام دیدگاه‌های آنان تغییراتی را در پرسش نامه اعمال کرده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از آزمون آماری خی دو استفاده شده و برای مقایسه دو گروه سنتی و مدرن نیز از آزمون تی مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش، میانگین سنی شرکت کنندگان در این تحقیق ۳۵ سال، میانه ۳۴ سال و مد ۳۹ سال است. از کل نمونه آماری، ۲ درصد پاسخ‌گویان وضعیت اشتغال خود را اعلام نکرده‌اند و از میان پاسخ دهندگان، ۴۶ درصد شاغل و ۵۲ درصد خانه‌دار بوده‌اند. از میان پاسخ دهندگان، ۲ درصد پاسخ‌گویان تحصیلات خود را اعلام نکرده‌اند، ۱۱ درصد زیر دیپلم، ۴۸ درصد دیپلم و ۳۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. درضمن فقط یک نفر بی سواد بوده است.

نتایج تحقیق در خصوص توانایی حل مسأله که یکی از شاخص‌های کارکرد خانواده است، نشان می‌دهد که در بین زنان با ازدواج مدرن، میانگین توانایی حل مسأله ۱۸/۵۸ درصد بوده است و در مقابل در بین زنان با ازدواج سنتی میانگین توانایی حل مسأله ۱۷/۷۸ درصد بوده است. بین زنانی که به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند با زنانی که به شیوه مدرن تشکیل خانواده داده‌اند، به لحاظ توانایی حل مسأله تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که سبک ازدواج، سنتی یا مدرن، تأثیری در افزایش یا کاهش توانایی حل مسأله ندارد و این موضوع را باید در عامل‌های دیگری جست‌وجو کرد.

درباره وضعیت ارتباط بین زوجین، نتایج تحقیق نشان داد که در بین زنان با ازدواج مدرن میانگین توانایی ارتباطی ۲۷/۶۵ درصد بوده و در مقابل در بین زنان با ازدواج سنتی میانگین توانایی ارتباطی ۲۴/۸۶ درصد بوده است.

مقدار p	df	t	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	مدل ازدواج
۰/۰۰۰	۳۸۲	۴/۶۷	۵/۸۹	۲۷/۶۵	۱۷۰	شیوه مدرن
			۵/۷۵	۲۴/۸۶	۲۱۴	شیوه سنتی

مقدار تی و مقدار P به دست آمده، نشان می‌دهد از لحاظ میانگین توانایی ارتباطی بین زنان با ازدواج مدرن و زنان با ازدواج سنتی تفاوت معناداری وجود دارد. در زمینه توانایی ارتباطی زنان به شیوه ازدواج مدرن، حدود ۳ امتیاز بیشتر از زنان به شیوه ازدواج سنتی می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت که آشنایی زوجین قبل از ازدواج می‌تواند در چگونگی ارتباط زوجین در ادامه زندگی تأثیر عمیقی بگذارد و موجب بهتر شدن این بُعد از کارکرد خانواده شود.

چگونگی ایفای نقش، یکی دیگر از شاخص‌های کارکرد خانواده است. نتایج تحقیق نشان داد که در بین زنان با ازدواج مدرن، میانگین ایفای نقش ۳۲/۱۴ درصد بوده و در مقابل، در بین زنان با ازدواج سنتی، میانگین ایفای نقش ۲۸/۹۸ درصد بوده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد از لحاظ ایفای نقش بین زنان دارای ازدواج مدرن و زنان دارای ازدواج سنتی تفاوت معناداری وجود دارد و زنان با سبک ازدواج مدرن در ایفای نقش دارای امتیاز بیشتری بوده‌اند ($p < 0/001$).

در خصوص پاسخ‌دهی عاطفی، نتایج تحقیق نشان داد که در بین زنان با ازدواج مدرن، میانگین پاسخ‌دهی عاطفی ۱۸/۷۱ درصد بوده و در مقابل، در بین زنان با ازدواج سنتی میانگین پاسخ‌دهی عاطفی ۱۶/۵۴ درصد بوده است. مقدار t و مقدار p به دست آمده نشان می‌دهد به لحاظ پاسخ‌دهی عاطفی، بین میانگین پاسخ‌دهی عاطفی زنان با ازدواج مدرن و زنان با ازدواج سنتی تفاوت معناداری وجود دارد. پاسخ‌دهی عاطفی زنان به روش ازدواج مدرن، حدود ۲ امتیاز از زنان به روش ازدواج سنتی بیشتر است.

مقدار p	df	t	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	مدل ازدواج
۰/۰۰۰	۳۸۲	۴/۸۸	۴/۲۱	۱۸/۷۱	۱۷۰	شیوهٔ مدرن
			۴/۴۰	۱۶/۵۴	۲۱۴	شیوهٔ سنتی

در خصوص توانایی آمیختگی عاطفی نتایج به دست آمده نشان داد از لحاظ میزان توانایی آمیختگی عاطفی بین زنان به شیوهٔ ازدواج مدرن و زنان به شیوهٔ ازدواج سنتی تفاوت معناداری وجود دارد و زنان با سبک ازدواج مدرن، در آمیختگی عاطفی امتیاز بیشتری داشته‌اند. ($p < ۰/۰۰۱$)

مقدار p	df	t	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	مدل ازدواج
۰/۰۰۰	۳۸۲	۴/۱۷	۴/۷۷	۲۱/۸۱	۱۷۰	شیوهٔ مدرن
			۵/۱۶	۱۹/۶۷	۲۱۴	شیوهٔ سنتی

و بالاخره در خصوص کنترل رفتار یا پایبندی به اصول و قواعد حاکم بر خانواده، نتایج نشان داد:

مقدار p	df	t	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	مدل ازدواج
۰/۰۰۰	۳۸۲	۴/۱۶	۵/۳۹	۲۵/۹۹	۱۷۰	شیوهٔ مدرن
			۵/۶۲	۲۳/۶۲	۲۱۴	شیوهٔ سنتی

در بین زنان با ازدواج مدرن، میانگین کنترل رفتار ۲۵/۹۹ درصد بوده و در مقابل در بین زنان با ازدواج سنتی، میانگین کنترل رفتار ۲۳/۶۲ بوده است و زنان به شیوهٔ ازدواج مدرن، در زمینهٔ کنترل رفتار، حدود ۲ امتیاز بیشتر از زنان به شیوهٔ ازدواج سنتی داشته‌اند.

بحث

این مطالعه با هدف بررسی مقایسهٔ کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن بین زنان متأهل شهر تهران که یکی از این نوع ازدواج‌ها را داشتند، انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که در خصوص توانایی حل مسأله که یکی از شاخص‌های کارکرد

خانواده است، بین زنانی که به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند با زنانی که به شیوه مدرن تشکیل خانواده داده‌اند، تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که سبک ازدواج، سنتی یا مدرن، تأثیری در افزایش یا کاهش توانایی حل مسأله ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق موسوی و همکاران (۱۳۸۴) که مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی» انجام داده‌اند، همخوانی ندارد؛ چراکه نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که تعارضات زناشویی در افرادی که قبل از ازدواج رابطه داشته‌اند، در مقایسه با افرادی که قبل از ازدواج رابطه نداشته‌اند، کمتر است. یعنی شیوه مدرن ازدواج موجب کاهش تعارضات زناشویی می‌شود.

شاخص دیگر کارکرد خانواده، وضعیت ارتباط بین افراد خانواده است؛ یعنی اینکه اعضای خانواده با یکدیگر به راحتی صحبت می‌کنند و مسائل و مشکلات را با هم در میان می‌گذارند. نتایج سؤال دوم تحقیق در این خصوص نشان داد در بین زنانی که به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند، با زنانی که به شیوه مدرن تشکیل خانواده داده‌اند، به لحاظ چگونگی برقراری ارتباط تفاوت معناداری دیده می‌شود و این نتیجه با نتایج تحقیقات آلسون و فاورز^۱ (۱۹۹۲)، مبنی بر تفاوت بین ازدواج‌های سنتی و ازدواج‌هایی بر مبنای عشق و دوستی، همخوانی دارد. شدت و تأکید روابط زوج‌هایی که بر مبنای دوستی ازدواج کرده‌اند، بیشتر در زمینه‌های ارتباطی و روابط زناشویی است؛ حال آنکه شدت پایداری و دوام زوج‌های قدیمی بیشتر در زمینه خصوصیات و ویژگی‌های ساختاری به ویژه ارتباطات خانوادگی شدید، روابط دوستان و اقوام و همچنین مسائل اعتقادی و مذهبی است.

در خصوص چگونگی نقش‌پذیری افراد، نتایج تحقیق نشان داد بین زنانی که به شیوه مدرن ازدواج کرده‌اند، با زنانی که به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. این موضوع به این سبب است که زنان ازدواج کرده به شیوه مدرن، قبل از ازدواج، فرصت کافی برای تقسیم وظایف در خانواده آینده خود را داشته‌اند و توانسته‌اند برخی

1- Olson and Fowers

مسائل مربوط به نقش‌های زن و مرد در خانواده خود را تثبیت کنند؛ به همین دلیل و دلایل دیگر، نحوه تقسیم وظایف و نقش‌پذیری افراد در خانواده وضعیت مطلوب‌تری دارد.

پاسخ‌دهی عاطفی یا به عبارتی ابراز مهر و محبت به یکدیگر و در نظر داشتن هیجانات عاطفی و احساسی طرف مقابل در خانواده، بخش مهم دیگری از کارکردهای خانواده است که در سؤال چهارم پژوهش به آن پرداخته شده است. نتایج مقایسه آماری میانگین پاسخ‌دهی عاطفی در زنان متأهلی که به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند، با زنان متأهلی که به شیوه مدرن ازدواج کرده‌اند، نشان می‌دهد که در این خصوص نیز شیوه مدرن ازدواج، میانگین بالاتری را داراست؛ یعنی زنان ازدواج کرده به شیوه مدرن، در مقایسه با سنتی‌ها، از پاسخ‌دهی عاطفی در خانواده خود امتیاز بیشتری کسب کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد در آمیختگی عاطفی، خانواده‌های شکل گرفته از ازدواج مدرن امتیاز بالاتر و معناداری را نسبت به خانواده‌های شکل گرفته از ازدواج سنتی دارند؛ یعنی زنان ازدواج کرده به شیوه مدرن وضعیت آمیختگی عاطفی در درون خانواده خود را مطلوب‌تر از زنان ازدواج کرده به شیوه سنتی به تصویر کشیده‌اند.

سؤال ششم این تحقیق نیز در پی مقایسه شاخص کنترل رفتار در ازدواج‌های مدرن و سنتی است. نتایج نشان می‌دهد که کنترل رفتار یا پایبندی به اصول و قواعد حاکم بر خانواده، در خانواده‌هایی که زنان آن‌ها به شیوه مدرن ازدواج کرده‌اند، نسبت به خانواده‌هایی که زنان آن‌ها به شیوه سنتی ازدواج کرده‌اند، بیشتر است. شاید بتوان گفت زن و مردی که قبل از ازدواج با هم در ارتباط هستند، می‌توانند برخی قواعد و اصول خانواده مد نظر خود را با یکدیگر طراحی و تعیین کنند و به همین دلیل، بعد از ازدواج نیز بیشتر به آن‌ها پایبند بمانند. نتایج کلی پژوهش نیز با نتایج تحقیق ایرانی (۱۳۸۳) که با عنوان «مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی» انجام داده، همخوانی ندارد. وی نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه فوق وجود ندارد؛ ولی ازدواج‌های غیرسنتی که در سنین بالاتری صورت گرفته به رضایت زناشویی بیشتر منجر می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که در وضعیت امروز جامعه ما، شیوه مدرن ازدواج، یعنی آشنایی بیشتر زوجین قبل از ازدواج و بحث و تبادل نظر بین آنها درباره ویژگی و اصول و عقاید خود در خصوص خانواده و نحوه ادامه زندگی زناشویی، می‌تواند موجب افزایش کارکردهای خانواده‌ها شود و بدین وسیله پایداری و ثبات خانواده افزایش یابد.

محدودیت‌ها

- ۱- نبود چارچوب نظری مرتبط با موضوع و محدود بودن منابع در این زمینه، یکی از محدودیت‌های عمده این پژوهش بود.
- ۲- طولانی بودن سؤالات پرسش‌نامه و همکاری نکردن پاسخ‌گویان نیز به صرف زمان بیشتری در انجام این پژوهش منجر شد.

پیشنهادها

- ۱- آموزش ابعاد کارکرد خانواده به زوجین، پیش از ازدواج، قطعاً در بهبود کارکرد خانواده مؤثر است.
- ۲- با توجه به اینکه در برخی ابعاد، کارکرد خانواده با ازدواج مدرن می‌تواند مؤثر باشد، پیشنهاد می‌شود زمینه‌های این‌گونه ازدواج، با توجه به فرهنگ و سنت‌های بومی ترویج داده شود و پذیرش این نوع ازدواج‌ها در خانواده‌ها افزایش یابد.
- ۳- با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده عوامل مؤثر در بهبود توانایی حل مسأله در زوجین بررسی شود.
- ۴- با توجه به نتایج حاصل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، ویژگی‌های افرادی نیز بررسی شود که هر یک از ازدواج سنتی و مدرن را داشته‌اند.

- احمدی موحد، م. (۱۳۸۶)، شاخص‌های ازدواج و طلاق و بررسی تغییرات آن در سال‌های ۱۳۸۱-۸۶ فصلنامه جمعیت، ش ۶۴ و ۶۳.
- ایران محبوب، خ. مختاری، م. (۱۳۸۵)، رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران، فصلنامه جمعیت، ش ۵۸ و ۵۷.
- ایرانی، ن. (۱۳۸۳)، مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- بارکر، ف. (۱۳۸۲)، خانواده‌درمانی (ترجمه محسن دهقانی، زهره دهقانی)، چاپ دوم، تهران، رشد.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، سروش.
- سالاری، ر. (۱۳۸۰)، مقایسه کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده بهنجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- سرایی، ح. (۱۳۸۵)، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، (ش ۵۴).
- ضمیری، ش. (۱۳۸۴)، آثارآشنایی قبل از ازدواج در بهداشت روانی زندگی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- موسوی و همکاران. (۱۳۸۴)، تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه دولتی شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن مشاوره ایران، ش ۲۲.
- مینوچین، س. (۱۳۷۵)، خانواده و خانواده‌درمانی (ترجمه باقر ثنائی)، تهران، امیرکبیر.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۸۰)، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- هی‌لی، ج. (۱۳۷۷)، روان‌درمانی خانواده (ترجمه باقر ثنائی)، تهران، امیرکبیر.

- Celik, S. (2007), "family function levels of Turkish fathers with children aged between 0-6", **psychology journals**, 35 (4): 429-442.
- Heuvel and McDonald (1944), "marriage and divorce", 69-90.
- Kitner, G. I., Miller, I.W. (1996), "mood disorder and family".
- Krischner, D. and Krschne (1986), "comprehensiev familyTherapy an integration of systmic and psychodinamic mode".
- Olson, D.H. & Fowers, B.J. (1992), "four type of premarital couples;Anempirical typology based on pre paper", **Journal of family psychology**, 10-21.
- Thornton A. & Lin (1994), "**social change and family in Taiwan**", Chicago, the university of chicago press". Walesh, (1982), "Normal family processes".

